



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۳۸۰۸-ق

تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۸

پیوست دلگه

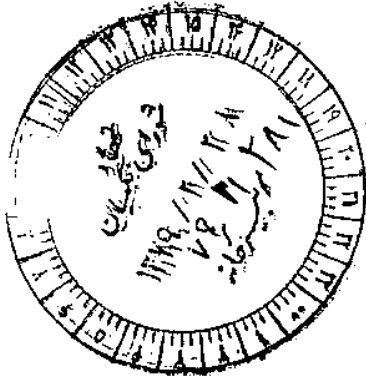
بتشکل



شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۲۰۰۵۲/۳۶۶۳۵ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۸ دولت در خصوص موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت بوسنی و هرزگوین به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد و دارائی که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی عیناً به تصویب رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می شود.

علی اکبر ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ

**لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و
دولت بوسنی و هرزگوین به منظور اجتناب از اخذ
مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و دارائی**

ماده واحده - لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت بوسنی و هرزگوین به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و دارائی مشتمل بر (۳۰) ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
بوسنی و هرزگوین به منظور اجتناب از اخذ مالیات
مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و دارائی**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت بوسنی و هرزگوین با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و دارائی، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه :

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

بسم الله

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه :

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر دارائی است که صرفنظر از نحوه وضع آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها وضع می گردد.

۲- مالیات بر درآمد و دارائی عبارتند از کلیه مالیاتهای متعلقه به کل درآمد، کل دارائی، یا اجزای درآمد یا دارائی، از جمله مالیات عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ پرداختی مؤسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق، و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه بخصوص عبارتند از:

الف - در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد

- مالیات بر دارائی

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می شود)

ب - در مورد دولت بوسنی و هرزه گوین:

- مالیات بر حقوق

- مالیات بر منافع

- مالیات بر منافع فعالیتهای اقتصادی و حرفه ای

- مالیات بر منافع کشاورزی

- مالیات بر دارائی

- مالیات بر درآمد ناشی از دارائی و حقوق دارائی

- مالیات بر کل درآمد اشخاص حقیقی

(که از این پس مالیات مستقیم بوسنی و هرزه گوین نامیده می شود)

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهای یکسان یا اساساً مشابه طبقه بندی شده طبق تعریف

بند (۱) این ماده که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از تاریخ امضای این

بسم الله

موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای ذیصلاح دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی، از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی :

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء نماید:

الف - اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری بوسنی و هرزه گوین اطلاق می شود.

اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

اصطلاح "بوسنی و هرزه گوین" به قلمرو تحت حاکمیت بوسنی و هرزه گوین اطلاق می شود.

ب - اصطلاح "مالیات" به کلیه مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه اطلاق می شود.

پ - اصطلاح "شخص" شامل شخص حقیقی، شرکت یا سایر انواع اشخاص می باشد.

ت - اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می گردد.

ث - اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده، طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

ج - اصطلاحات "مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد" و "مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر" به ترتیب اطلاق می شود به مؤسسه تجاری که به وسیله شخص مقیم یک

تعالیه

دولت متعاهد و مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می شود.
چ - اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" اطلاق می شود به هرگونه حمل توسط کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن که توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن صرفاً بین مکانهای واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

ح - اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق می شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او.

- در مورد بوسنی و هرزگوین وزیر دارایی یا نماینده مجاز او.

خ - اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاهد باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک

دولت متعاهد کسب نماید.

۲- اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاهد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که طبق قوانین آن دولت متعاهد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۲ - مقیم :

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاهد" اطلاق می شود به هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار داشته

تعالیه

باشد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد. (مرکز منافع حیاتی)

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا اگر در هیچ یک از دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچ یک از آنها نباشد، مقامهای صلاحیتدار دو دولت موضوع را با توافق دو جانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده اش در آن واقع است.

ماده ۵ - مقرر داریم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقرر داریم" اطلاق می شود به محل ثابت شغلی، که از طریق آن، مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقرر داریم" بخصوص شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه

تعلیه

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره‌برداری، استخراج از منابع طبیعی.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، نصب یا سوار نمودن ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقر دایم" محسوب می‌شوند لیکن فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از (۲۴) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیتهای مشروحه ذیل توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر به عنوان فعالیت از طریق "مقر دایم" تلقی نخواهند شد:

الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری.

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه تجاری صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ - نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به مؤسسه تجاری صرفاً به منظور آماده‌سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر.

ت - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا جمع‌آوری اطلاعات برای آن مؤسسه تجاری.

ث - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور انجام، تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی [به غیر از نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند (۶) می‌باشد] در یک دولت متعاهد از طرف یک

تعلیه

مؤسسه تجاری فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و آن را به طور معمول در یک دولت متعاقد اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیت‌هایی که آن شخص برایش انجام می‌دهد دارای مقر دایم که در آن دولت تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که به موجب مقررات بند مذکور چنانچه از طریق محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العمل کار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

مع ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین نماینده‌ای به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن مؤسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می‌کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق مقر دایم و خواه به نحو دیگر) فی‌نفسه کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیر منقول:

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری)، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث

بیتالی

در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و وسائل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات حقوق عمومی راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر بهره‌برداری از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که دارا بودن سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت، مالک این سهام یا حقوق شراکتی را محق به تمتع از اموال غیرمنقول متعلق به آن شرکت نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، استیجاری، یا هر شکل دیگر این حق تمتع می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که اموال غیرمنقول در آن واقع است، شود.

۵- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷- منافع تجاری:

۱- منافع ناشی از فعالیتهای تجاری حاصله توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه تجاری در دولت دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن دولت امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه تجاری به طوری که در بالا ذکر شد فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن مؤسسه می‌تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود لیکن فقط آن قسمتی از آن که مرتبط با

تعلیه

مقر دائم باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافی جهت مقر دائم منظور می‌گردد که اگر این مقر، مؤسسه‌ای متمایز و مجزا بود و همان فعالیتها یا مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می‌داد و به طور کاملاً مستقلی با مؤسسه تجاری که مقر دائم آن می‌باشد معامله می‌کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرائی و هزینه‌های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دائمی مؤسسه‌ای مستقل می‌بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه‌ها خواه در دولتی که مقر دائم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- در حالتی که در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل منافع آن مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. مع ذلک نتیجه روش تسهیمی متخذه می‌باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرفاً به سبب خرید اجناس یا کالاها توسط مقر دائم برای مؤسسه تجاری، هیچ منافی برای آن مقر دائم تخصیص نخواهد یافت.

۶- منافع تخصیصی به مقر دائم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که منافع شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تأثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

بسم تعالی

ماده ۸ - حمل و نقل بین‌المللی:

منافع حاصله توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹ - مؤسسات شریک:

۱ - در صورتی که:

الف - مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد..

یا

ب - اشخاص واحدی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشند، و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه تجاری، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منافی که می‌بایست عاید یکی از این مؤسسات تجاری شده باشد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن مؤسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

۲ - در صورتی که یک دولت متعاقد منافی از مؤسسه تجاری آن دولت را محاسبه و متناسب با آن مشمول مالیات نماید که مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر مشمول پرداخت مالیات در آن دولت متعاقد دیگر شده است و منافی که بدین ترتیب محسوب شده‌اند توسط دولت مقدم‌الذکر ادعا شود که منافی هستند که چنانچه شرایط بین این دو مؤسسه، مانند شرایط میان دو مؤسسه مستقل بود عاید آن مؤسسه می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین



بسم الله

تعدیلاتی می‌باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شوند و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰ - سود سهام:

۱ - سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است به مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - مع ذلک این سود سهام می‌تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهم تجاوز نخواهد کرد.

۳ - اصطلاح "سود سهام" به نحوی که در این ماده به کار می‌رود اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات مربوط به دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد مقیم آن می‌باشد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاقد بوده در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵ - در صورتی که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد می‌باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر حاصل نماید، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام



به تعالی

پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از موافقی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا موافقی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات بر منافع تقسیم نشده شرکت نخواهد کرد حتی اگر سود سهم پرداختی یا منافع تقسیم نشده به طور کلی یا جزئی از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شوند.

ماده ۱۱ - هزینه های مالی

۱ - هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداخت شده به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - مع ذلک، این هزینه های مالی می تواند در دولت متعاقدی که حاصل می شود و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳ - اصطلاح "هزینه های مالی" به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دیون، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به این گونه اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام قرضه اطلاق می شود.

جرائم متعلقه برای تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه های مالی محسوب نخواهد شد.

۴ - علی رغم مقررات بند (۲)، هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت، وزارتخانه ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهای که

تعلیقات

کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت مقدم‌الذکر معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاهد بوده در دولت متعاهد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقرر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد، و مطالبات دیونی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد مقررات مواد (۷) یا (۱۴) حسب مورد جاری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاهد تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد. مع‌ذالک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد در ارتباط با بدهی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، و این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل دولتی تلقی خواهد شد که این مقرر دائم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد، مقررات این ماده فقط به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

بسم الله

ماده ۱۲ - حق امتیازها:

۱ - حق امتیازهای حاصل در یک دولت متعاهد و پرداختی به مقیم دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - مع ذلک، این حق امتیازها می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود، و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق امتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از پانزده درصد (۱۵٪) مبلغ ناخالص حق امتیاز نخواهد بود.

۳ - اصطلاح "حق امتیاز" به نحوی که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان مابه ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴ - هرگاه مالک منافع حق امتیازها، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که حق امتیاز حاصل می شود از طریق مقرر دائم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد، یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق امتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

۵ - حق امتیاز زمانی حاصل در یک دولت متعاهد تلقی خواهد شد، که پرداخت کننده خود آن دولت، مقام محلی یا مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق امتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد در یک دولت متعاهد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد که حق یا اموال مورد حق امتیاز به طور مؤثری



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۳۸۰۸

تاریخ ۲۸ / ۲ / ۱۳۷۹

پیوست

تعلیه

مرتبط با آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهند شد که این مقر دائم یا پایگاه ثابت در آن واقع می‌باشد.

۶- در صورتی که به سبب رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص ثالث دیگر، مبلغ حق الامتیازی که بابت استفاده، حق یا اطلاعات پرداخت شده، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیرالذکر جاری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختها بر طبق قوانین هر دولت متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای:

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی مقر دائمی را که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، هواپیما، یا وسائط نقلیه جاده‌ای یا راه‌آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن،

تعالیه

فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

۴ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۵ - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳)، و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است، خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل:

۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مشابه مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص به منظور ارائه فعالیت خود پایگاه ثابتی به طور مرتب در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه چنین پایگاه ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد می تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود ولی فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت می باشد.

۲ - اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" به خصوص شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیر مستقل:

۱ - با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام بدین ترتیب انجام شود، حق الزحمه حاصل از آن می تواند مشمول



تعالیه

مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت مقدم‌الذکر خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز، در هر مدت دوازده ماهه که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند و

ب - حق‌الزحمه توسط، یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاهد دیگر نیست پرداخت شود و

پ - حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت متعاهد دیگر دارد، نباشد.

۳- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، حق‌الزحمه حاصل مرتبط با استخدام در کشتی، قایق، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن در حمل و نقل بین‌المللی می‌تواند مشمول مالیات دولت متعهده باشد که دفتر ثبت شده آن مؤسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶ - حق‌الزحمه مدیران:

حق‌الزحمه مدیران و سایر پرداختهای مشابه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد در سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران:

۱- علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) درآمدی که مقیم یک دولت متعاهد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند نمایش، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان



بیت

ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می نماید می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، علی رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، آن درآمدی می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گیرد، شود.

۳- علی رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد حاصل توسط هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای ارائه شده در دولت متعاقد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقد شده بین دو دولت متعاقد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی:

۱- با رعایت مقررات بند (۱) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته، فقط مشمول مالیات آن دولت می باشد. این مقررات برای مستمریهای سالانه مادام العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به کار می رود.

۲- حقوق بازنشستگی، مستمریهای سالانه مادام العمر و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاقد بابت بیمه حوادث شخصی، می تواند فقط در آن دولت مشمول مالیات شود.

ماده ۱۹ - خدمات دولتی:

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه (به غیر از حقوق بازنشستگی) پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن



بیمه

دولت خواهد بود.

مع ذلک، این حق الزحمه‌ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولتی باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا

- صرفاً به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) در مورد حقوق و مقرریهای بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده بابت فعالیت‌های شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرّسان و محصلان:

۱- وجوهی که محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق الزحمه‌ای که مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد و منظور اولیه، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، از مالیات آن دولت دیگر بر حق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص بخصوصی انجام شود جاری نخواهد بود.

بیتعالی

ماده ۲۱ - سایر درآمدها:

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که به طور صریح در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود مگر آنکه این گونه اقلام درآمد از منابعی در دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می توانند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشوند.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه در یافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دایم واقع در آن فعالیت شغلی نماید یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است به طور مؤثری با این مقرر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد این اقلام درآمد در آن دولت متعاقد دیگر و بر طبق قوانین خود آن دولت مشمول مالیات می باشند.

ماده ۲۲ - سرمایه :

۱- سرمایه متشکل از اموال غیر منقول موضوع بند (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد و واقع در دولت متعاقد دیگر می باشد، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که جزئی از اموال شغلی مقرر دایمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که مقیم یک دولت متعاقد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیما، وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این

بسم الله

کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

۴- سرمایه متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائیهای آن عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در یک دولت متعاهد تشکیل شده است، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد شود.

۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳ - روش حذف مالیات مضاعف:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی حاصل می‌کند یا سرمایه‌ای دارد که طبق مقررات این موافقتنامه، می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت مقدم‌الذکر اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع ذلك، در هر یک از دو مورد این گونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بر درآمد، یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به درآمد یا سرمایه‌ای باشد که می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصلی یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، مع هذا این دولت می‌تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

بِسْمِ اللَّهِ

ماده ۲۴ - عدم تبعیض:

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوطه‌ای که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیات مقرر دائمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، در آن دولت دیگر با مطلوبیت کمتری از مالیات مؤسسات تجاری آن دولت متعاهد دیگری که همان فعالیتها را انجام می‌دهند، وصول نخواهد شد.

۳- مؤسسات تجاری یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در دولت مقدم‌الذکر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سوای یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر مؤسسات مشابه تجاری در دولت مقدم‌الذکر مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصی یا مسؤولیتهای خانوادگی به مقیمین خود اعطاء می‌نماید به مقیمین دولت متعاهد دیگر نیز اعطا کند.

ماده ۲۵ - روش توافق دوجانبه:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد ملاحظه کند که اقدامهای یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این



تعالیه

موافقتنامه نمی باشد، صرفنظر از تدابیر پیش بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می باید ظرف دو سال از اولین اخطار اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند شخصاً به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، مورد را فیصله دهد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد برای حل هرگونه مشکلات یا شیهای ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامهای صلاحیتدار، به طریق مشاوره، از روشها، شرایط آیینها و فنون دوجانبه مقتضی برای اجرای روشهای توافق دوجانبه پیش بینی شده در این ماده استفاده خواهند نمود.

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات:

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعاتی را که برای اجرای مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاهد را که به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط می باشد تا جایی که وضع مالیات به موجب آن مغایر با این موافقتنامه نباشد با یکدیگر مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می شود به همان شیوه ای که



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۳۸۰۸

تاریخ ۲۸ / ۲ / ۱۳۷۹

پیوست

بیتعالیه

اطلاعات مکتسبه طبق قوانین آن دولت سزی می باشد، سزی خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامها از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری مرتبط با تشخیص، یا وصول، اجرا یا پیگیری، یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهی های مربوط به مالیاتهایی که مشمول این موافقتنامه می باشند، افشا خواهد شد. این اشخاص یا مقامها، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های دادگاههای عمومی یا تصمیم های قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف - اقدامهای اداری خلاف قوانین و عرف اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا رویه اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرایند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف سیاست (نظم) عمومی باشد.

ماده ۲۷ - مساعدت برای وصول:

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد تعهد می نمایند در مورد وصول مالیات به انضمام هزینه های مالی، هزینه ها، و مجازاتهای مدنی مرتبط با این گونه مالیاتها که در این ماده به عنوان "مطالبه درآمد مالیاتی" نامیده خواهد شد، به یکدیگر مساعدت کنند.

۲- درخواست مساعدت از طرف مقام صلاحیتدار یک دولت متعاقد برای وصول "مطالبه درآمد مالیاتی" می باید با یک گواهینامه از طرف آن مقام مبنی بر آنکه طبق قوانین آن دولت این مطالبه "درآمد مالیاتی" به قطعیت رسیده است، باشد. از لحاظ این ماده، مطالبه



تعالیه

"درآمد مالیاتی" وقتی قطعی خواهد بود که یک دولت متعاهد طبق قوانین داخلی خود حق وصول این مالیات را داشته باشد و مؤدی مالیاتی هیچ نوع حقی برای جلوگیری از وصول آن نداشته باشد.

۳- "مطالبه درآمد مالیاتی" یک دولت متعاهد که وصول آن توسط مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر پذیرفته شده است، همانند "مطالبه درآمد مالیاتی" خود آن دولت که به قطعیت رسیده است، توسط آن دولت متعاهد دیگر مطابق با مفاد قوانین مربوط به وصول مالیاتهای آن وصول خواهد شد.

۴- مبالغ وصول شده توسط مقام صلاحیتدار یک دولت متعاهد به موجب این ماده به مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر تقدیم خواهد شد. مع ذلک، جز در مواردی که مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاهد طور دیگری توافق نمایند، مخارج معمولی هزینه شده برای مساعدت در وصول، بر عهده دولت متعاهد مقدم‌الذکر خواهد بود و هرگونه مخارج فوق‌العاده هزینه شده بر عهده دولت متعاهد دیگر خواهد بود.

۵- هیچگونه مساعدتی برای "مطالبه درآمد مالیاتی" یک دولت متعاهد به موجب این ماده، در مورد مؤدی مالیاتی که "مطالبه درآمد مالیاتی" وی مرتبط با مدتی باشد که طی آن مدت مؤدی مزبور مقیم دولت متعاهد دیگر بوده است، انجام نخواهد شد.

۶- علی‌رغم مقررات ماده (۲) (مالیاتهای مورد نظر)، مقررات این ماده شامل کلیه مالیاتهای وصول شده توسط یا از طرف یک دولت متعاهد خواهد شد.

۷- مقررات این ماده چنین تعبیر نخواهد شد که هر یک از دو دولت متعاهد را وادار سازد که اقدامهای اداری که ماهیتاً متفاوت از آنچه در وصول مالیاتهای خود معمول می‌دارد، یا مغایر با سیاست عمومی (نظم عمومی) آن دولت باشد، به کار برد.

ماده ۲۸ - اعضای هیأت‌های سیاسی و مناصب کنسولی:

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۳۸۰۸

شماره

تاریخ ۱۳۷۹ / ۲ / ۲۸

پیوست

تعالیه

که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۹ - لازم الاجرا شدن:

۱- این موافقتنامه در هریک از دولتهای متعاقد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجرا و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می‌گردد، حاصل می‌شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد و بر سرمایه، به آن گونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می‌گردد، شروع می‌شود.

ماده ۳۰ - فسخ :

این موافقتنامه تازمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ شود لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دولتهای متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می‌گردد، فسخ نماید، در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - نسبت به مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل

بسم الله

می شود.

ب - نسبت به سایر مالیاتهای بردرآمد و سرمایه به آن گونه مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.

بنا به مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به نحو مقتضی مجاز می باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند. این موافقتنامه در دو نسخه در تاریخ ششم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج برابر با بیست و هفتم ژوئن یکهزار و نهصد و نود و شش به زبانهای فارسی، بوسنیایی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود. ع

از طرف

از طرف

دولت بوسنی و هرزه گوین

دولت جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و سی ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی